

کنسرت برای کودکان و نوجوانان

لئونارد برنستاین

ترجمه‌ی بابک بویان

Shiraz-Beethoven.ir



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران ۱۳۹۲

فهرست

۷	پیشگفتار برای خوانندگان جوانم
۹	مقدمه‌ی چاپ جدید (۲۰۰۵)
۱۱	زندگی‌نامه‌ی لئونارد برنستاین
۱۷	مقدمه‌ی مترجم
۲۱	فصل اول موسیقی چه معنایی می‌دهد؟ (۱۸ ژانویه ۱۹۵۸)
۳۷	فصل دوم چه چیزی موسیقی رو آمریکایی می‌کنه؟ (۱ فوریه ۱۹۵۸)
۴۹	فصل سوم سازبندی چیه؟ (۸ مارس ۱۹۵۸)
۶۱	فصل چهارم چه چیزی موسیقی رو سمفونیک می‌کنه؟ (۱۳ دسامبر ۱۹۵۸)
۷۷	فصل پنجم موسیقی کلاسیک چیه؟ (۲۴ ژانویه ۱۹۵۹)
۹۱	فصل ششم شوخی و طنز در موسیقی (۲۸ فوریه ۱۹۵۹)
۱۰۱	فصل هفتم کنسرتو چیه؟ (۲۸ مارس ۱۹۵۹)
۱۰۹	فصل هشتم موسیقی محلی روی صحنه (۹ آوریل ۱۹۶۱)
۱۱۷	فصل نهم امپرسیونیسم چیه؟ (۱ دسامبر ۱۹۶۱)
۱۲۹	فصل دهم ملودی چیه؟ (۲۱ دسامبر ۱۹۶۲)
۱۴۵	فصل یازدهم فرم سونات چیه؟ (۶ نوامبر ۱۹۶۴)
۱۵۷	فصل دوازدهم به یاد یان سیبلیوس (۱۹ فوریه ۱۹۶۵)
۱۶۳	فصل سیزدهم آتم‌های موسیقی: فاصله‌ها (۲۹ نوامبر ۱۹۶۵)
۱۸۱	فصل چهاردهم مُد چیه؟ (۲۳ نوامبر ۱۹۶۶)
۱۹۹	فصل پانزدهم برلیوز پرواز می‌کنه (۲۵ مه ۱۹۶۹)

پیشگفتار برای خوانندگان جوانم

درست از همان زمانی که کنسرت‌های کودکان و نوجوانان با فیلارمونیک نیویورک در ۱۹۵۸ را شروع کردیم مرتباً درخواست‌های متعددی رسیده که کاری بکنیم تا این برنامه‌ها به شکلی ثبت شوند. این کتاب مصور پاسخی به آن‌همه تقاضاست.

تبدیل صفحه‌ی تلویزیون به صفحه‌ی کاغذ اصلاً کار ساده‌ای نیست. یک دلیل اینکه دیگر از یک ارکستر سمفونیک بزرگ، که برای اجرای مثال‌ها دم دست حاضر باشند و منتظر اشاره‌ی چوب رهبر، خبری نیست. در عوض، نمونه‌هایی هستند که نت آن‌ها آورده شده و اغلبشان طوری نوشته شده‌اند که به راحتی بتوان با پیانو اجرا کرد. هر قطعه‌ای که در جریان کتاب به آن اشاره‌ای می‌کنیم روی صفحه‌ی گرامافون ضبط شده است. توصیه‌ی اکید دارم که هرگاه امکان داشت، مخصوصاً برای نمونه‌های مفصل‌تری که مورد بحث قرار می‌گیرند، خواننده‌ی کتاب موسیقی مربوطه را برای خود پخش کند. نت‌های کتاب و همچنین قطعات ضبط‌شده این ویژگی را دارند که شما می‌توانید هر چند بار که بخواهید، چه برای لذت چه برای بررسی، آن‌ها را پخش یا اجرا کنید. کاری که صد البته با تلویزیون شدنی نیست.

نکته‌ی دیگر (و البته ظریف‌تر) اینکه حرف‌ها و فکریهایی که در تلویزیون سعی کردم به شما منتقل کنم اگر قرار بود عیناً کلمه‌به‌کلمه چاپ می‌شد کمی با آنچه در کتاب آمده تفاوت پیدا می‌کرد و این تفاوت آن‌قدر بود که بازنویسی و ویرایش مفصلی را الزامی کند. و دیگر اینکه، در یک برنامه‌ی تلویزیونی برای تماشا کردن چیزهای فراوانی هست. می‌شود هنگام گوش دادن به سازها، مثلاً، دید که سازها چه شکلی هستند. در این کتاب، به همین دلیل، ما تصویر داریم؛ چه تصویرهای خلاق.

به‌این ترتیب، کار تبدیل صفحه‌ی تلویزیون به صفحه‌ی کتاب مثل چیزی شبیه ترجمه از زبانی به زبان دیگر می‌شود؛ یا شبیه تنظیم قطعه‌ای برای ارکستر که در اصل برای پیانو بوده فقط. پس اگر من در کتاب همه‌جا دقیقاً مثل خودم حرف نمی‌زنم شما متوجه هستید که چرا. مگه نه؟

به خاطر انجام کار این ترجمه، اول باید از همکارم جک گاتلیب تشکر کنم که مسئولیت انجام کار مشکل تهیه متن اولیه را پذیرفت. سپس از تمام گروه ویراستاران، طراحان و نقاش های نشر سایمون و شوستر با مدیریت دوست قدیمی من هنری سایمون- که پیشنهاد اولیه ی این کتاب فکر خود او بود- سپاسگزارم. همچنین می خواهم از مری راجرز و راجر انگلندر به خاطر کمک شایانشان به من برای تهیه و ویرایش اصل برنامه های تلویزیونی و همچنین از همقطاران شان الیزابت فینکلر و جان کوریلینو جونیور تشکر کنم.

و بیش از همه، از شما کودکان و نوجوانان سپاسگزارم که اینچنین گرم و باهوش نسبت به برنامه های ما عکس العمل نشان دادید؛ که اگر غیر از این بود این کتاب هرگز چاپ نمی شد.

لئونارد برنستاین، ۱۹۶۲

فصل اول

موسیقی چه معنایی می‌دهد؟

خُب! فکر می‌کنین این موسیقی درباره‌ی چیه؟ می‌تونین بگین؟



مطمئن بودم اینو می‌گین: راهزنا، آسیبا، کابوی‌ها و غرب وحشی. دختر کوچولوی منم، جی‌می، که پنج سالشه، اون بالام نشسته، با شما موافقه. وقتی این موسیقی رو شنید گفتم: ا! این همون ترانه‌ی کلاتر تک و تنه‌است. اما متأسفانه باید بگم که هر دوتون اشتباه می‌کنین. این موسیقی درباره‌ی اون کلاتر نیست. درباره‌ی تُتاست: می‌بُل‌ها و فا دیزها. ببینین! مهم نیست تا حالا چقدر داستان شنیدین که موسیقی درباره‌ی چیه؛ همه رو فراموش کنین. داستانا معنای موسیقی نیستن. موسیقی اصلاً درباره‌ی چیزی نیست. موسیقی همونه که هست. موسیقی همون نغمه‌هاست، نغمه‌ها و صداهای زیبایی که کنار هم قرار می‌گیرن تا ما از شنیدنشون لذت ببریم. فقط همین. اما اینکه معنانش چیه یا این قطعه‌ی موسیقی چه معنایی داره، سؤال مشکلیه. و این همون سؤالیه که امروز سعی می‌کنیم بهش جواب بدیم. خُب! این قضیه‌ی معنا در موسیقی قضیه‌ی بامزه‌ایه. وقتی می‌گین: معنانش چیه؟ منظورتون در حقیقت اینه که: داره سعی می‌کنه به من چی بگه؟ یا می‌خواد من چه فکری بکنم؟ مثل کلمه‌ها که وقتی اونا رو می‌شنوین، معنایی ازشون می‌فهمین. اگه به شما بگم: آخ! انگشتم رو سوزوندم؛ فوراً فکر یا فکرای می‌کنین؛ که من انگشتم رو سوزوندم، که درد می‌کنه، که ممکنه دیگه نتونم پیانو بزنم، یا اینکه چه صدای گوش‌خراشی دارم وقتی داد می‌زنم، و فکرای شبیه این. این مال کلمه‌هاست اما اگه چیزی بزنم، به نُتی روی پیانو مثل این:



نغمه‌ها چیزی به شما نمی‌گن. نه درباره‌ی اینکه من انگشتم رو سوزوندم، نه درباره‌ی ماهواره‌ی اسپوتنیک، نه در، نه دیوار، هیچی.
 خُب پس درباره‌ی چی‌ن؟ درباره‌ی موسیقی. مثلاً این قطعه از شوپن:



قشنگه، نه؟ اما درباره‌ی چیه؟ هیچی. یا این سونات بتهون:



اینم درباره‌ی هیچی نیست. یا این تیکه جاز:



اینم درباره‌ی چیزی نیست. هیچ کدومشون درباره‌ی چیزی نیستن اما گوش دادن بهشون لذت بخشه. چرا لذت بخشه؟ نمی‌دونم! طبیعت انسانه که دوست داره موسیقی گوش بده. ببینین! نغمه‌ها اصلاً مثل کلمه‌ها نیستن. برای اینکه اگه به کلمه به شما بگم، مثلاً موشک، فوراً معنایی به ذهنتون میاد؛ به تصویر توی ذهنتون می‌بینین. موشک! دنگ! تصویر! اما اگه به نت بزنم، به نت تنها:



بی معناست. همون فا دیز خودمونه فقط. یا سی بمل:



یه صداست. همین! می‌خواد زیرتر باشه:



یا بم‌تر:



قوی:



یا ضعیف:



صدایی که اگه بزnm خیلی فرق داره. یا اینکه بخونمش. یا اینکه اُبوآ بزنه. یا با زیلوفون. یا با ترومبون. خیلی فرق داره. همون تته، اما با صداهای متفاوت. موسیقی کلاً ترکیب صداهایی شبیه ایناست که با یه طرح کنار هم قرار می‌گیرن. به کسی که این طرح رو می‌کشه می‌گن آهنگساز؛ می‌خواد ریچارد راجرز باشه یا ریمسکی کورساکف. آهنگساز اونه و قصدش اینه که صداها رو با ریتما و سازا و صدای خواننده‌ها و چیزای دیگه طوری کنار هم بذاره که دستِ آخر یه چیز هیجان‌انگیز یا بامزه یا تأثیرگذار یا جالب، یا همه‌ی اینا با هم، به وجود بیاد. موسیقی یعنی این و معناش هم از جنس موسیقیه، که هیچ ربطی به هیچ قصه و تصویر و چیزایی شبیه این نداره. البته اگه قصه‌ای هست که به یه موسیقی مربوط می‌شه، اشکالی نداره؛ گاهی خوبم هست، چون یه معنایی به موسیقی اضافه می‌کنه اما یادتون نره که اصلِ کاری نیست. معنای موسیقی هرچی باشه، به قصه ربطی نداره. اما اینکه «بالاخره معناش چیه؟» چیزیه که می‌خوایم بفهمیم. بیاین قدم اول رو برداریم. اون قطعه‌ای رو که اول از همه زدیم یادتونه؟



همون آهنگ غرب وحشی؟ خُب! یه دلیلِ کافیه که این معنای غرب وحشی رو نده. چون کسی که اینو ساخت به عمرش از غرب وحشی چیزی نشنیده بود؛ یه آهنگساز ایتالیایی به نام روسینی. ما فکر می‌کنیم این موسیقی معناش آسبا و کابوی‌ها و غرب وحشیه؛ چون فیلما و تلویزیون به ما این طوری گفتن. اما روسینی درواقع این قطعه رو به عنوان اُرتوری برای اُپرایی به اسم ویلیام تیل